



نگارش نمایشنامه رادیویی
کیت ریچاردز
ترجمه مهدی عبدالله زاده
انتشارات سروش، تهران ۱۳۸۱، ۱۴۸ صفحه

کتاب نگارش نمایشنامه رادیویی درسنامه معتبری است که حاوی تقریباً همه عناوین عمده و مهم نمایش‌نویسی بوده و پیرامون چگونگی نمایشنامه‌نویسی در رادیو و ماهیت آن می‌تواند راهنمای ارزشمندی به‌حساب آید. این کتاب با همت کانون اندیشه اداره کل پژوهش‌های سیما توسط انتشارات سروش منتشر شده است.

● بهمن مستطیان

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

خسته‌کننده، شخصیت‌های مبهم، گفت‌وگوهای آبکی و منتقل‌کننده اطلاعات بسیار اندک نخواهد بود.

نکاتی که نویسنده کتاب در اکثر بخش‌ها بر آن تأکید دارد، بازنویسی یک اثر به‌طور مکرر است که نقش اساسی در تقویت سازماندهی آن دارد. همچنین رعایت ایجاز و همکاری و ارتباط حرفه‌ای بین نویسنده و تهیه‌کننده که سبب خلق نمایشنامه‌های درخشان و عالی رادیویی می‌شود.

پیشگفتار کتاب که توسط «کن متهولد» نمایشنامه‌نویس زبردست رادیویی نوشته شده است، مدخل مناسبی برای معرفی «کیت ریچاردز» و آشنایی با مبحث نگارش نمایشنامه‌نویسی رادیویی خواهد بود:

«چندی پیش، اولین نمایش رادیویی خودم را که سی سال پیش تهیه شده بود، دوباره شنیدم و بیشتر از خودنمایش، از سبک تولید آن بدم آمد. همه چیز خیلی کند بود. تقریباً تمام صحنه‌ها به واسطه «پل» موسیقی، فید یا فید متقاطع از صحنه بعدی جدا شده بودند و در مواردی که شنونده تشخیص نمی‌داد که صحنه‌ای تمام و صحنه بعدی شروع می‌شود و همچنین میان هر پل یا فید، سکوتی طولانی و خسته‌کننده گنجانده شده بود.

باید دید از دهه پنجاه به این سو، چه تغییراتی در عرصه تولیدات رادیویی صورت گرفته است.

نخست، باید گفت که نمایش نمایشهای آدم خل و چل بر روند تولید رادیویی، تأثیری کاملاً مشهود بر جای نهاده است. این کم‌دی سوررئال نیم‌ساعته ماهیت نمایش رادیویی را تا حد زیادی تغییر داده است. امروزه، نخستین نمایشنامه من کاملاً قدیمی به‌نظر می‌رسد، اما این اثر به‌نظر من چنان تازه است که گویی همین یک هفته پیش نوشته شده است. بی‌تردید، نمایشنامه‌هایی از این دست، نمایشهای رادیویی ناب و ماندگار محسوب می‌شوند.

در قلمرو فانتزی و به ویژه کم‌دی فانتزی، هیچ کاری در رادیو غیر ممکن نیست. از نمونه‌های کامل چنین آثاری نمایشنامه راهنمای سفر مجانی به کهکشان است. در این مجموعه بی‌نظیر که نوار کاست آن در تمام فروشگاه‌های معتبر موجود است و به-راحتی با گوش‌دادن به آن می‌توان تا حدودی به ماهیت رادیو پی‌برد، مثالهایی از تمام عواملی که به بهبود کیفیت نمایش رادیویی کمک می‌کنند، ارائه شده است. تقریباً برای هر چیزی که

در تدوین و تنظیم این کتاب دقت خاصی به‌کار برده شده به طوری که هر فصل زیربنای مضمون فصل بعدی بوده و نیز دربردارنده تمام موضوعات و عناوین هسته‌ای و کلیدی است. کتاب با نثری روان و یکدست و شیوه روشن نگاشته شده و با آوردن مثالهایی از نمایشنامه‌های مختلف، خواننده را از مباحث و مفاهیم مقدماتی، به عمق دیدگاه‌های متعدد و متنوع (پیرامون بنیادی‌ترین موضوعات نمایشنامه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی در رادیو، ساختار، طرح، شخصیت‌نمایش رادیویی و...) رهنمون می‌شود. نویسنده این کتاب برخلاف نویسندگان نمایشنامه‌های رادیویی که با رویکرد طبیعت‌گرایی یا ناتورالیسم به نمایشنامه‌نویسی می‌پردازند، آن را محدود به طبیعت‌گرایی نمی‌داند و معتقد است این نوع نگاه، رادیو را از جایگاه خود خارج می‌کند؛ زیرا یگانه ویژگی منحصر به فرد رادیو این است که به‌جای مصور کردن تجربه آن را در ذهن برمی‌انگیزاند. چنانچه نویسنده در فصل گرایش‌های تازه در نمایش رادیویی بیان می‌کند: «نویسنده رادیویی باید بداند که نمایش رادیویی، رسانه طبیعت‌گرا نیست و بنابراین وقتی نویسندگان رادیویی به واقع‌گرایی روی می‌آورند، آثار خوبی ارائه نمی‌دهند. اگر بتوان این واقعیت را پذیرفت، بلافاصله می‌توان از محدودیت‌های طبیعت‌گرایی رهایی یافت. این رهایی و آزادی عمل به‌طور ذاتی در نمایش رادیویی وجود دارد. استعداد فوق‌العاده‌ای که صدا در برانگیختن تخیل و تحریک حالات و درجات حسی دارد، ویژگی ذاتی رسانه رادیوست.» (ص ۱۱۳)

او معتقد است که نمایشنامه نباید صرفاً تأثیر نمایشی داشته باشد، بلکه باید به خلوت شنونده راه پیدا کند؛ زیرا در این صورت، در حیطه نمایش، به نمایشنامه رادیویی به چشم بازتاب ضعیفی از نمایشنامه صحنه‌ای نگاه می‌شود.

نویسنده رادیویی ضمن رعایت عناصر فنی نمایشنامه‌نویسی ساختار، طرح، طرح فرعی و شخصیت، از این آزادی عمل برخوردار است که دست به ساختار شکنی بزند. این ساختار شکنی به معنای خارج شدن از عناصر فنی نمی‌باشد، زیرا نمایشنامه رادیویی بدون این عناصر، نامتوازن، فاقد انسجام و ناتوان از حفظ علاقه شنونده خواهد بود. اگر متن نمایشنامه از ساختار قوی برخوردار باشد و نویسنده بتواند به‌طور منطقی به طرح، طرح فرعی و شخصیت‌پردازی بپردازد، در آن صورت نمایشنامه دارای اطلاعات



کیت در این کتاب درباره فن نگارش نمایشنامه رادیویی می‌گوید، می‌توان مثالهایی از این نمایشنامه آورد.

پلگردان تلویزیونی این مجموعه نیز مانند نمایشهای آدم خل و چل، برای سازنده‌اش نتیجه‌ای فاجعه‌آمیز به همراه داشت.

زمانی به این دلیل که مجذوب تعداد زیاد مخاطبان تلویزیون و سینما شده بودم، رادیو را مدتی کنار گذاشتم. با خود گفتم چه فایده‌ای دارد که بهترین اثرم را فقط دو نفر بشنوند؛ یکی مردی که به خواب رفته و دیگری سگش که بی‌صبرانه منتظر پیاده‌روی است؟! در آن زمان، تصور می‌کردم بدون تلاش می‌توانم یک میلیون مخاطب داشته باشم؛ که البته تصویری کاملا بی‌پایه و اساس و نادرست بود. از هر صد هزار نویسنده، فقط یک نفر می‌تواند آنچه را که دلش می‌خواهد بنویسد و یک میلیون مخاطب داشته باشد. اغلب کسانی که در این کشور برای تلویزیون می‌نویسند، واقعا آنچه را که دوست دارند، به رشته تحریر در نمی‌آورند. آنها صرفا چیزی را می‌نویسند که برایشان درآمدزا باشد و از این منتهای اغلب مجموعه‌های خانوادگی ساخته می‌شود. در استرالیا تعداد کمی نمایشنامه تلویزیونی تولید می‌شود. اغلب نمایشهای تلویزیونی، با مجموعه‌هایی خانوادگی هستند یا مجموعه‌هایی که خط داستانی و شخصیت‌های آن از قبل برای نویسنده فراهم و تعیین شده است. نمی‌خواهم بگویم که نوشتن در این وضعیت بسیار حقیرانه است اما ترجیح می‌دهم وقتی قرار است داستانی بنویسم، یا درباره طرح‌های خودم بنویسم یا اصلا چیزی ننویسم.

حتی وقتی نویسنده برای نگارش اثری فرصت لازم و آزادی عمل داشته باشد نیز، نتیجه کار شکست محض خواهد بود. من تا به حال یک نمایشنامه تلویزیونی و یک فیلمنامه نوشته‌ام که فکر اولیه هر دو، متعلق به خودم است و تصور می‌کردم که بر هر دو تسلط داشته‌ام. اما این تصور نیز چندان درست از آب در نیامد؛ چون پس از اتمام کار بازیگران، کارگردان، تدوین‌گر، تهیه‌کننده و پخش‌کننده، دریافتیم که نتیجه کار، هیچ شباهتی به فکر اولیه و آنچه منظور نظم بود ندارد. از طرف دیگر، مشکلات فراوانی در راه تصویب و پذیرش فیلمنامه سینمایی یا تلویزیونی وجود دارد و اوضاع، بیشتر شبیه قمار یا بلیت پخت آزمایی است. تصویب فیلمنامه به شناخت و ارتباط با آدم‌هایی که در آن حیطه کار می‌کنند بستگی دارد. من چندین طرح تلویزیونی و سینمایی دارم که هر کدام در مرحله‌ای از پرداخت قرار دارند و تردید دارم که حتی یکی از آنها به مرحله تولید برسد.

این مرحله‌ای است که اگر نمایشنامه رادیویی بنویسید و درباره کاری که انجام می‌دهید فکر و طرحی منطقی داشته باشید، در رقابت با تعداد اندکی نمایشنامه دیگر قرار می‌گیرد و تهیه‌کننده شما درمی‌یابد که مهم‌ترین وظیفه وی در این زمینه حفظ استقلال اثر شماست و هیچ نویسنده دیگری در هیچ مرحله‌ای اجازه ندارد بر ترکیب آن دست بزند. همچنین، با آن که

IBC احتمالا زیر بار تبلیغ پخش آن نخواهد رفت، ممکن است اثر شما بین سی تا پنجاه هزار نفر مخاطب را به خود جذب کند و اگر شما بتوانید توجه آنها را جلب کنید، آنها کارشان را رها می‌کنند و به نمایشنامه شما گوش می‌دهند. مزیت دیگر، این که نمایشنامه شما با آگهیهای بازرگانی غذای گربه یا حشره‌کش قطع نخواهد شد!

اما برای خود من، ارضاکننده‌ترین جنبه نگارش نمایشنامه رادیویی ارتباطی است که بین من و تهیه‌کنندگانم، به ویژه «کیت ریچاردز» که بیش از نیمی از کارهای مرا تهیه کرده است، وجود دارد. این ارتباط، واقعا در پیدا کردن کسی که به کار شما اعتقاد داشته باشد و به لحاظ انسانی و فنی هر کار ممکن را به شیوه‌ای مقبول برای شما انجام دهد، بسیار مفید است. اینها، مزیت‌هایی است که نویسنده در رادیو از آنها بهره‌مند می‌شود.

در سینما و تلویزیون که نویسنده در انتهای هرم جای دارد، نمی‌توان این موقعیت را به دست آورد. البته با پرداخت داستان می‌توان تا حدودی به این موقعیت نزدیک شد، اما معیارهای ویرایش داستان در استرالیا نیز آنچه که باید باشد، نیست. موقعیت موردنظر را تا حدودی در تئاتر می‌توان به دست آورد، اما مخاطبان تئاتر بسیار اندک‌اند و بازیگران نیز معمولا چندان رضایت تماشاگر را به دست نمی‌آورند، مگر اینکه بازیگری درجه یک در نمایش حضور داشته باشد. در رادیو، تمام این شرایط فراهم است؛ زیرا از سویی تهیه‌کننده واقعا می‌داند چگونه باید کار کنند و همواره غرور خود را مهار می‌کنند و از سوی دیگر، بهترین بازیگران کشور، با کمال میل دو روز در هفته در رادیو کار می‌کنند.

یکی از بزرگ‌ترین لحظات دوران نویسنده‌گی من زمانی بود که «رابین نه‌وین» به سطری از یکی از نمایشنامه‌هایم با نام قدرت ایراد گرفت. بلافاصله به او گفتم: «آن را دوباره می‌نویسم». اما رابین گفت: «این قدر ساده نباش، خط داستانی هیچ ایرادی ندارد؛ ایراد از من است، من خودم درستمش می‌کنم» و این کار را کرد! مسلما این اتفاق هیچ گاه در مورد فیلم یا مجموعه تلویزیونی رخ نمی‌دهد!

کسانی که برای رادیو می‌نویسند و در زمینه نگارش نمایشنامه رادیویی فعالیت می‌کنند، نه به خاطر پول، افتخار یا شهرت و وجهه عمومی، که به خاطر عشق به رادیو به این کار مشغولند. متأسفانه رادیو هیچ‌یک از مزیت‌های فوق را برای نویسنده ندارد. اما شنیدن اثر خود و احساس نزدیکی آن، که حس می‌کنید قبلا آن را در ذهن خود شنیده‌اید، فوق‌العاده لذت‌بخش است.

برای آنهایی که می‌خواهند به جمع کوچک و ناشناخته و کم‌درآمد نخبگان نمایشنامه‌نویسی برای رادیو بپیوندند، این کتاب راهنمایی خوب خواهد بود.»

